

یادداشت

توازن میان آزادی و قدرت



رضا مشتاقی

روزنامه‌نگار

۱- آخرین پنجشنبه‌پاییز ۱۳۹۷، مخاطبان برنامه رادیکال ۳ شبکه سوم سیما شاهد سخنان -اگر نگوییم بی‌سابقه- کم‌سابقه‌ای بودند. میهمان برنامه دکتر پرویز امینی، استاد دانشگاه و تحلیلگر مسائل سیاسی،

در بررسی وضعیت آزادی در جامعه ایران هر دو شاخص «درک از وجود آزادی» و خود «آزادی» را در وضعیتی قابل تقد عنوان کرد و چهار عامل را در این موضوع موثر دانست: «وضع منفعل جمهوری اسلامی نسبت به موضوع آزادی و در اولویت و دستور قرار نداشتن این موضوع»، «وضعیت پارادوکسیکال در برخورد با آزادی و مواجهه متناقض با آزادی‌ها در عمل»، «تعارض ادعا و عمل در مواجهه با آزادی در سابقه تاریخی‌مان» و «نامتوازن بودن نسبت قدرت و آزادی». در میان این چهار عامل «توازن میان قدرت و آزادی» را می‌توان تر امینی برای اصلاح وضعیت فعلی و بهبود شاخص آزادی بیان در جمهوری اسلامی دانست. براساس این نظر، هرچه افراد قدرت کمتری در دست داشته باشند، باید از آزادی بیان بیشتر و امکان بالاتر بیان نظرات خود بهره‌مند شوند و هرچه قدرت اشخاص بیشتر باشد، باید در مخاطب قرار دادن دیگرانی که در موضع ضعف‌تری قرار دارند، مورد محدودیت و نظارت بیشتری قرار بگیرند. با توجه به اینکه تحدید آزادی عموما و قاعدتا با ابزار قوانین و در سازوکارهای حقوقی صورت می‌پذیرد، «توازن میان قدرت و آزادی» امروز در نظام حقوقی ما در چه وضعیتی است و تا چه حدی امکان اجرا و متوازن ساختن آن وجود دارد؟

۲- در وضعیت فعلی می‌توان ادعا کرد که این موازنه در نظم حقوقی کاملا به سمت طرف قدرتمندتر سنگینی می‌کند. علت تصریح به «نظم حقوقی» از این جهت است که در عمل یا در جریان سازوکارهای اجرایی و قضایی معمولا طرف قدرتمندتر به دلیل داشتن تریبون و رسانه، برخورداری از وکلای توانمند و حمایت‌های حقوقی، فراغت بیشتر و مواردی از این دست این امکان را دارد که از آزادی بیان خود بیشتر بهره‌مند شود و کمتر به خاطر استفاده از این آزادی آسیب ببیند، حتی اگر در قوانین حقوق، تکالیف یکسانی با طرف ضعف‌تر داشته باشد؛ اما به نظر می‌آید در نظم حقوقی ما و در قوانین فعلی نیز حمایت بیشتری از طرف قدرتمندتر شده است. به‌عنوان مثال، در مواد ۶۰ و ۶۰۹ کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی توهین به اشخاص جرم‌انگاری شده است؛ با این تفاوت که توهین به «یکی از روسای سه قوه یا وزرا یا معاونان رئیس جمهور یا یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی یا نمایندگان مجلس خبرگان یا اعضای شورای نگهبان یا قضات یا اعضای دیوان محاسبات یا کارکنان وزارتخانه‌ها و موسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها در حال انجام وظیفه یا به سبب آن»، هم مجازات شدیدتری را در پی دارد و هم غیرقابل گذشت است و در صورت حدوث، مقامات قضایی بدون نیاز به شکایت شاکی خصوصی آن را تحت تعقیب قرار می‌دهند. در اینجا، مقامات و ماموران حکومتی که موضع قوی‌تری نسبت به شهروندان عادی دارند، مورد حمایت قدرتمندتری نیز در برابر خطابات شهروندان عادی قرار گرفته‌اند.

در ماده ۵۰۰ کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی نیز تبلیغ علیه‌نظم به این ترتیب جرم‌انگاری شده است: «هرکس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروه‌ها و سازمان‌های مخالف نظام به هر نحو فعالیت تبلیغی کند، به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد». در اینجا قانونگذار با عبارات مجملی مثل «گروه‌ها و سازمان‌های مخالف نظام»، «به هر نحو» و «فعالیت تبلیغی» که به طرز وسیعی قابل تفسیر هستند، نظام را مورد حمایت ویژه کيفری در برابر اظهارات و فعالیت‌های تبلیغی دیگران قرار داده است و هر منتقدی می‌تواند بيمناک باشد که فعالیت‌ها و از مصادیق رفتارهای مورد توصیف این ماده تشخیص داده شود. این موضوع که برخی اشخاص خود را «اصل نظام» می‌دانند نیز بر این ترس می‌افزاید. امینی نیز در سخنان خود به درستی به این موضوع اشاره کرد: «بیشترین دغدغه‌ها در مسئولان ما معطوف به آزادی است که نسبت به آنها ابراز می‌شود تا آزادی‌ای که نسبت به اصل نظام و انقلاب وجود دارد. و می‌رسد به آنجا که این توجیه به وجود می‌آید که: شما که داری به من انتقاد می‌کنی، می‌دونی من کی‌ام؟ من رئیس مجلس! رئیس مجلس! رئیس مجلس می‌دونی یعنی چی؟ رئیس مجلس جمهوری اسلامی! جمهوری اسلامی می‌دونی یعنی چی؟ یعنی حکومتی که درش ولایت فقیه هست! ولی فقیه می‌دونی یعنی چی؟ یعنی نایب‌ام‌زمان (عج)... می‌رسی به خدا و می‌گه تویی که به من انتقاد می‌کنی؛ داری به خدا انتقاد می‌کنی؛ در این شکل از قانونگذاری، بیشترین حمایت از طرف قدرتمند در برابر خطباتی که نسبت به او ابراز می‌شود انجام می‌پذیرد، در حالی که بنا بر منطق «توازن میان قدرت و آزادی» باید بیشترین آزادی بیان به منتقدان قدرت اعطا می‌شد و در این زمینه کمترین حمایت از طرف قدرتمند صورت می‌گرفت.

۳- بخشی از این نظم حقوقی نیز با خوانشی که در عمل از آن صورت گرفته است، منطق «توازن میان قدرت و آزادی» را مخدوش می‌کند. به‌عنوان مثال، ماده ۹ قانون (نظارت مجلس بر رفتار نمایندگان»، نمایندگان مجلس را در اظهارات خود که در مقام ایفای وظایف نمایندگی بیان شده‌اند، مطلقا آزاد و مصون از تعقیب کيفری می‌داند. در تبصره ۱ این ماده، تشخیص اینکه اظهارات نماینده از مصادیق این ماده و مصون از تعقیب است، به هیات نظارت بر نمایندگان واگذار شده و مراجع قضایی که بدون اذن این هیات نماینده‌ای را تحت تعقیب قرار دهند، متخلف دانسته شده‌اند. همواره به این ماده از این منظر نگریسته می‌شد که نمایندگان در راه اقامه حقوق ملت و مبارزه با مفسدان و قدرتمندان، مصون از آزارها و شکایات آنها باشند و بتوانند در راه رسوا کردن آنها سخن بگویند و قلم بزنند. مطمئنا نویسندگان این ماده و اصل ۶۹ قانون اساسی تصور نمی‌کردند که این مقررره برای حمایت از نمایندگان مجلس در قبال توهین آنها به شهروندان عادی به کار گرفته شود. با اتفاقی که در گمرک افتاد و رفتاری که از سوی نماینده سرواوان سر زد، امروز هیات نظارت بر رفتار نمایندگان در معرض آزمون مهمی قرار گرفته است. باید منتظر اظهارنظر هیات نظارت بود و دید که آیا از این پس مصونیت نمایندگان راهم باید در عداد مقرراتی که آزادی بیان بیشتر را نصیب قدرتمندان می‌کند و ضعفا را در قبال آنان بی‌دفاع می‌گذارد، شمرد یا نه؟

۴- در قانون اساسی خلاف این رویه را مشاهده می‌کنیم. در اصول مختلف قانون اساسی سخن از برابری همه افراد در برابر قانون، تأمین آزادی‌های سیاسی مردم، مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت خود، تکلیف امر به معروف و نهی از منکر و آزادی اعتراض آمده است. مطابق اصل ۲۷ قانون اساسی، «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد، آزاد است». اصلی که می‌توان آن را در شمار اصول اجرانشده قانون اساسی دانست. آزادی برای تجمع و راهپیمایی، جزء آزادی‌هایی است که موضع ضعفا را تقویت می‌کند. عامه مردم که توان و سواد ظهور و بروز در رسانه‌ها را ندارند و فاقد تشکل‌ها و احزاب رسمی هستند، در تجمعات و راهپیمایی‌ها می‌توانند صدای خود را به گوش دیگران برسانند؛ اما این حق و آزادی در عمل و در رویه اجرایی منوط و مقید شد به اجازه وزارت کشور، و گمان نمی‌کنم این وزن‌بخانه کارنامه درخشانی در صدور مجوز تجمعات داشته باشد. در آخرین اقدام برای اجرایی شدن این اصل، نمایندگان مجلس به جای اجبار وزارت کشور و دیگر نهادهای مسئول به اجرای آن، طرچی را تدوین و مهرامه امسال به مجلس ارائه کرده‌اند. در این طرح، آزادی تجمعات مقید شده است به ارائه درخواست تجمع به فرمانداری پنج روز زودتر از برگزاری آن، مشخص کردن مکان و مسیر تجمع و راهپیمایی، اطلاع دادن اسامی سخنرانان و موضوع سخنرانی آنها، معین کردن شعارها و دست‌نوشته‌های تجمع و... . طبق این طرح، اشخاص حقیقی تنها در صورتی که حداقل ۱۰۰ نفر باشند می‌توانند درخواست برگزاری تجمع بدهند. براساس مواد ۱۴ و ۱۵ این طرح، فرمانداری‌ها متولی اعطای مجوز برگزاری تجمعمند و در صورتی که برگزاری تجمع را «مغایر مبانی اسلام» یا «مخل نظم» تشخیص دهند، متقاضیان برگزاری تجمع باید از این تصمیم به خود فرمانداری‌ها اعتراض کنند.

ادامه در صفحه ۶

سیاست

سید یاسر جبرائیلی در گفت وگو با «فرهیختگان»:

مرکز اطلاعات مالی را به قوه قضائیه منتقل کنید

- سامانه مناسب برای اجرای وظایف FIU طبق قانون برنامه ششم در قوه قضائیه پیش‌بینی شده
- FIU نباید کمک‌حال دشمن در جنگ اقتصادی باشد
- سه نکته مهمی گزارش بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول درباره ایجاد FIU در دولت

مواجهه است و اقدام لازم با تأخیر صورت می‌گیرد. علاوه بر این باید گفت ما امروز یک بحران اطلاع دادرسی داریم و با این اقدام یک بحران جدید برای رسیدگی به مفاسد هم ایجاد می‌کنیم؛ یعنی به خاطر مبادلات بین دستگاهی پرورنده‌ها با تأخیر فرآیند خود را طی خواهند کرد.

بانک جهانی هم تجربه استقلال FIU از دستگاه اجرایی را مثبت می‌داند

نکته بعدی این است که در گزارش بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول هم به این اشاره شده است؛ در صفحه ۱۱ این گزارش آمده که استقلال FIU هایی که در قوه مجریه هستند، زیر سوال است! لذا یکی از ضرورت‌هایی که بتوانیم با فساد مالی برخورد کنیم این است که نیاز داریم FIU از قوه مجریه استقلال داشته باشد. اصلا باید گفت فلسفه تفکیک قوه قضائیه از قوه مجریه هم همین است؛ یعنی اگر دستگاه قضایی زیر نظر دولت بود، چه اتفاقاتی رخ می‌داد؟ به همان دلیل FIU هم نباید زیر نظر دولت باشد؛ مخصوصا در ساختار نظام سیاسی ما.

سامانه مناسب برای اجرای وظایف FIU در قوه قضائیه پیش‌بینی شده

در رابطه با تشکیل FIU در قوه قضائیه برخی منتقدان می‌گویند اگر این ایده اجرا شود، نیازمند ایجاد ساختار جدید در آنجا هستیم، نظر شما چیست؟

این نقد جواب دارد. ماده ۱۱۷ قانون برنامه ششم توسعه قوه قضائیه را مکلف کرده تا پایان سال دوم اجرای قانون برنامه توسعه یعنی تا پایان سال جاری یک سامانه الکترونیک ایجاد کند که امکان پاسخگویی فوری و برخط استعلامات مورد نیاز مراجع قضایی ذی صلاح در خصوص اموال اشخاص محکوم‌شده را داشته باشد. این مرکز باید به‌صورت متمرکز تحت نظارت مستقیم رئیس قوه قضائیه فعالیت کند و از طریق دسترسی برخط به کلیه بانک‌های اطلاعات افراد حقیقی و حقوقی، نیازهای کشور را درخصوص تکمیل فرآیندهای قضایی تأمین کند.

این اقدام باید صورت بگیرد تا توقیف اموال مذکور به سرعت و به سهولت انجام شود. پس سامانه مشابهی در قوه قضائیه در برنامه ششم ما پیش‌بینی شده است. حالا باید از قوه قضائیه سوال شود که این سامانه را ایجاد کرده یا خیر؟ به نظر من این سامانه همان FIU است؛ یعنی این چیزی که ماده ۱۱۷ قانون برنامه ششم از قوه قضائیه خواسته ایجاد کند، همان FIU است، منتها دایره عمل آن قدری گسترده‌تر است. اینجا بعد از محکومیت است و در FIU بررسی روندهای مشکوک و تشکیل پرونده هم هست، بنابراین این ساختار وجود دارد و ساختار دیگری لازم نیست، که برخی آقایان گفته‌اند دردرس درست می‌شود، این انتقاد وارد نیست.

گفته می‌شود که کار FIU یک کار اجرایی است. این انتقاد صحیح نیست؟

خیر، کار FIU اجرایی نیست. FIU گزارش تولید نمی‌کند. تولیدکنندگان گزارش مشکوک دستگاه‌های اجرایی هستند. FIU این گزارش‌ها را دریافت و آنالیز کرده و هر جا لازم است پیگیری می‌کند و تشکیل پرونده می‌دهد، بنابراین این انتقاد هم وارد نیست که کار FIU یک کار اجرایی است.

علاوه بر این، با اخباری که چند وقت پیش توسط برخی نمایندگان مجلس و برخی رسانه‌ها منتشر شد، تهدید دیگری هم متوجه FIU است؛ اینکه اطلاعات ما به خارج از کشور برود و اشراف اطلاعاتی دشمن در روندهای مالی ما ایجاد شود. هم‌م‌جاری مذاکرات برجام و حضور آقای دری اصفهانی‌را می‌توان مدنظر داشت و هم ماجرای که عرض کردم چند وقت پیش منتشر شد و اخباری که باید بررسی شود، درخصوص رئیس FIU گفته شد.

لذا باید بدانیم که تهدید جدی این است که اطلاعات مالی ما به خارج از کشور برود. ما امروز در جنگ اقتصادی هستیم. در جنگ اقتصادی همانند هر جنگ دیگری اشراف اطلاعاتی برای به هدف خوردن حملات دشمن ضروری است و نباید اجازه دهیم این اشراف ایجاد شود.

برخی این را بیان می‌کنند که تعاملات خارجی قوه قضائیه ضعیف است و این تعاملات در دولت قوی است و برای مبادلات اطلاعات در دولت این اتفاق بهتر رخ می‌دهد!

ما می‌گوییم اتفاقا این حسن است که FIU را در جایی ایجاد کنیم که امکان درز اطلاعات از آن به خارج از کشور خیلی سخت‌تر باشد، بنابراین این انتقاد هم وارد نیست. گزارش بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول درباره ایجاد FIU در قوه قضائیه سه حسن را ذکر کرده است؛ از نظر مداخله سیاسی این اتفاق متضمن استقلال بالایی است. دوم اینکه اطلاعات مستقیما در اختیار نهادهی قرار می‌گیرد که باید به تحقیقات و هم محاکمه کند؛ هر دوی اینها وظیفه قوه قضائیه است. حالا چه ضرورتی دارد اطلاعات را در جای دیگر انباشت کرده و سپس از آنجا به جای دیگر ارسال کنید؟

حسن سوم این است که به مقامات قضایی این اجازه را می‌دهد به‌سرعت اقداماتی نظیر ضبط دارایی‌ها و فریز کردن حساب‌های بانکی و بازجویی‌ها و بازداشت‌ها را انجام دهند. این سرعت در رسیدگی به فساد خیلی مهم است و ما خود را نباید از این امتیاز محروم کنیم.

اصل مطلب

برخورد با مفاسد اقتصادی در واقع حمایت از سرمایه‌گذاری سالم است



آیت‌الله آملی لاریجانی در جلسه مسئولان عالی قضایی با رد این ادعا که برخورد با مفاسد اقتصادی، جنبه سیاسی و جناحی دارد، تأکید کرد: «مقابله دستگاه قضایی با مفاسد اقتصادی که از گذشته هم وجود داشته، یک امر حاکمیتی است و دستگاه قضایی در رسیدگی‌ها هیچ توجیهی به مسائل جناحی و سیاسی ندارد، بلکه صرفا براساس قانون و شرع عمل می‌کند.» رئیس قوه قضائیه همچنین با بیان اینکه برخی درصدد تبلیغ این معنا هستند که این برخورد‌های دستگاه قضایی نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری در کشور ما امن نیست، تأکید کرد: «مقابله ما با مفاسد اقتصادی در واقع حمایت از سرمایه‌گذاری سالم و ایجاد فرصت‌های برابر است. بر این اساس مجددا تأکید می‌کنم که قوه قضائیه حامی جدی سرمایه‌گذاری سالم و مشروع در کشور بوده و همواره درصدد دفع موانع سرمایه‌گذاری است.»

سخنان امام (ره) درباره نابودی اسرائیل را تحریف می‌کنند



حسن رحیم‌پور ازغدی، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی در مراسم بررسی مقاومت مردم مظلوم یمن که با عنوان «انسانیت در خون» به همت انجمن اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه تهران در دانشکده حقوق و علوم سیاسی این دانشگاه برگزار شد، گفت: «در طول این سال‌ها و تحت فشارهای بسیار سنگین از جنگ گرفته تا توطئه و تحریم، مردم یمن به‌خصوص انصارالله یک قدم از شعارهای اصیل و انقلابی خود عقب نکشیدند و یک ذره شک و تردید در روحیه جهادی آنها به وجود نیامده و صریحاً می‌گویند دشمن اصلی ما آمریکا و انگلیس است. او‌ی در ادامه با اشاره به برخی شایعات تصریح کرد: «مردم یمن معطل پول ایران نیستند و ایران هم پولی در یمن خرج نکرده. رابطه مردم یمن و ایران رابطه هزارساله است. ما معتقدیم باید به مردم یمن حق انتخابات داده شود و همه اشغالگران باید یمن را ترک کنند.»

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی در پاسخ به سوال یکی از دانشجویان درخصوص اظهارات وزیر امور خارجه مبنی بر اینکه عده‌ای می‌گویند امام نگفته که اسرائیل باید از بین برود، گفت: «اینچنین حرف‌هایی دروغ و تحریف است. امام گفت اسرائیل باید از بین برود.»

آمریکا به هیچ‌وجه با داعش مقابله نکرد



محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه کشورمان در واکنش به اظهارات مقامات آمریکایی درخصوص مبارزه ارتش این کشور با داعش به‌المیادین گفت: «آمریکا به هیچ‌وجه با داعش مقابله نکرده و حضورش در سوریه در راستای منافع ملت سوریه یا با موافقت دولت این کشور نیست. این اقدام یک رفتار غیرقانونی است.»

وی همچنین در توضیحات خود با اشاره به اقدامات ترکیه در سوریه گفت: «نگرانی ترکیه از عملیات تروریستی را درک می‌کنیم.» اما [هر اقدام نظامی باید با هماهنگی دولت سوریه صورت بگیرد. همیشه به برادران ترکیه‌ای خود گفته‌ایم انجام عملیات علیه تروریسم بدون موافقت دمشق به حل بحران کمکی نمی‌کند.»

چاره‌ای جز صحبت با روسیه و ایران نداریم



رند پال، سناتور جمهوری خواه در گفت‌وگو با شبکه «سی‌بی‌اس‌انیز» درباره خروج نظامیان آمریکا از سوریه و همچنین افغانستان گفت:

«ما باید به اظهارنظرهای افرادی که در حال حمایت از حضور ابدی ما در افغانستان هستند، نگاه کنیم. ما هم اکنون در سوریه

هم حضور داریم. حتی خود ژنرال [جیمز] متیس هم گفته است هیچ راه‌حل نظامی برای سوریه وجود ندارد. او همچنین گفته که برای افغانستان هم راهکار نظامی وجود ندارد. به نظر شما سربازان جوان ما چه حسی خواهند داشت، من خودم اعضای در خانواده‌ام هستند که به‌زودی به خارج از کشور اعزام خواهند شد، به نظر شما آنها وقتی به افغانستان اعزام شوند چه حسی خواهند داشت، درحالی‌که ژنرال شان می‌گوید راهکار نظامی برای آن کشور وجود ندارد. به نظر من مسئولیت بر دوش متیس و دیگر کسانی است که این سناتور جمهوری خواه تصریح کرد: «روسیه یک بازیگر بزرگ است و اگر ما با روسیه درباره سوریه حرف نزنیم، هرگز به یک راه‌حل دست نخواهیم یافت. ایران هم یک بازیگر است و ما با ایران هم باید درباره سوریه حرف بزنیم. اسد هم بازیگر است و ما نمی‌توانیم بگوییم اسد باید برود. او جنگ را پیروز شده، اما بعضی‌ها سرشان را در برف فرو کرده‌اند و فقط می‌خواهند ۲۰۰۰ نظامی به آنجا بفرستند، اما این نیروها ممکن است به سیم‌های تله‌برای یک جنگ بسیار بزرگ‌تر تبدیل شوند؛ جنگی که شامل روسیه و ایران می‌شود، اما چنین کاری یک اشتباه بزرگ خواهد بود و من فکر نمی‌کنم مردم آمریکا خواهان یک جنگ بزرگ دیگر در خاورمیانه باشند.»